

## ۸ مارس امسال، جنبشی جهانی برای رهایی کامل

آذر مدرسی



حق طلبانه این جنبش را در گلو خفه کنند. صفحه ۲

امسال سراسر دنیا، از پاکستان و افغانستان تا آرژانتین و شیلی، از مسکو و پکن و بیروت تا برلین و آمستردام، و تا مرزهای یونان و ترکیه، شاهد بزرگداشت ۸ مارس و تلاشی جهانی برای برابری

زندگی مشقت بارتتری را به مردم تحمیل کرده است. در مقابل برای بورژوازی حاکم در ایران هم، علاوه بر تشدید تنفر و بی اعتمادی مردم، بحران اقتصادی و حکومتی اش را هم افزایش داده است. برخلاف ادعای بعضی از مفسرین، این توقف برای جمهوری اسلامی فرصت نخریده است، بلکه روند شکاف طبقاتی، اجتماعی و سیاسی جامعه و حاکمیت را عمیق تر کرده است. این روندی غیر قابل بازگشت است. فریب و ریاکاری، تحمیق و خرافات مذهبی و سرکوب، سه رکن

خیزش های میلیونی دیمه ۹۶، آبان ۹۸ و عروج بخش پیشرو طبقه کارگر به صحنه ی مبارزه طبقاتی رودر رو با کارفرماها و دولت، اعلام عمل مستقیم شورایی کارگران... فصل جدیدی در تاریخ جدال های طبقاتی و اجتماعی در ایران را گشود. این روند که سرنگونی جمهوری اسلامی را بعنوان گام اول پیروزی در دستور داشت، با شیوع بیماری مرگبار کرونا متوقف شده است. بیماری کرونا به همراه مخاطرات جانی و تاوانی که تا حالا داده شده،

# حکمتیست ۲۹۸

۱۲ مارس ۲۰۲۰ - ۲۲ اسفند ۱۳۹۸  
پنجشنبه ها منتشر میشود

## ایران، "کرونا"، محاصره اقتصادی آمریکا و جمهوری اسلامی

مصطفی اسدپور

ایران سرزمینی در سراشیب کشتار "کرونا" است. در حالیکه هر روز دامنه اثرات مرگبار این بیماری و رابطه مستقیم آن با وضعیت بهداشتی عمومی جامعه و درجه سلامتی فردی مبتلایان روشن میشود؛ به همان درجه فاجعه ای که مردم ایران با آن دست به گریبان هستند، ابعاد هولناک خود را عیان میسازد. نیازهای بهداشتی و سلامتی عمومی جامعه از هدفهای مستقیم محاصره اقتصادی آمریکا است، تداوم آن این وضعیت را وخیم تر میکند و باید فوراً پایان یابد.

جامعه ایران یک جامعه طبقاتی زیر سلطه هار سرمایه است که توده اصلی مردم زحمتکش آن توسط زنجیرهای یک حکومت ارتجاعی در تباهی فقر و سرکوب اسیر هستند. بر متن یک فضای اعتراض عمومی، سیاست محاصره اقتصادی آمریکا تماماً بر خلاف ادعاهای ریاکارانه دولت آمریکا و خیل اپوزسیون طرفدار، بیشتر از جمهوری اسلامی، مردم و جنبه آزادیخواهی را مورد حمله قرار میدهد و تضعیف میکند. در شرایط بحرانی امروز، بیمارستان های خالی از تجهیزات، کمبود انواع نیازهای پایه ای و سراسیمگی در پی مواد ضد عفونی هر چه بیشتر مردم عادی و ... صفحه ۳

### ایران و "کرونا" و جمهوری اسلامی

مصطفی اسدپور  
صفحه ۳

اساسی بقای نظام سرمایه دارانه ی جمهوری اسلامی است. ارکانی که بیش از چهار دهه این نظام را سرپا نگه داشته است. اما در یک دهه اخیر و با شتابی که مبارزه ی طبقاتی و اجتماعی در ایران گرفت، توازن قوا را به نفع آگاهی و اتحاد و همبستگی مردم علیه ارکان جمهوری اسلامی تغییر داده است. تعرضی که پایین ها علیه بالایی ها شروع کرده اند، آغاز پایان دوران سیاه حاکمیت در ایران است. ... صفحه ۴

# آزادی برابری حکومت کارگری

۸ مارس امسال ...  
 تظاهرات زنان فراری از  
 جهنم سوریه و ایران و  
 عراق و افغانستان، در  
 مرز یونان و ترکیه و  
 پشت سیم خاردارها  
 نبود. هشت مارس  
 امسال مهر خودآگاهی  
 عمیق و برابری طلبانه  
 جنبش برابری زن و  
 عبور آن از افقهای  
 محدود و مینیمالیستی  
 بود. عبور از افق محدود  
 "سهیم شدن در قدرت  
 یعنی برابری زن"، از  
 تئوری های ارتجاعی  
 نسبت فرهنگ و  
 توجیه قتل‌های ناموسی و  
 خشونت عربان و  
 سیستماتیک علیه زن به  
 نام "فرهنگ و آئین  
 خودی"، از آشتی اسلام  
 با حق زن، از "بیربطی  
 بیحقوقی زن به سیستم  
 اقتصادی-اجتماعی  
 مسبب آن"، را بر خود  
 داشت. ۸ مارس امسال  
 جنبش برابری زن رنگ  
 جنبش عدالتخواهانه  
 طبقه کارگر را بر خود  
 داشت. خصلت مشترک  
 این مراسمها، مطالبات  
 مشترک این جنبش،  
 ۸ مارس امسال ...  
 روز یکشنبه میلیونها زن  
 و مرد برابری طلب در  
 گرامیداشت روز جهانی  
 زن، در مقابل خشونت  
 رسمی و قانونی علیه  
 زن، علیه بیحقوقی  
 سیستماتیک زنان، علیه  
 حاکمیت مذهب و قوانین  
 مذهبی، علیه فقر و  
 فلاکتی که بورژوازی بر  
 جهان تحمیل کرده،  
 علیه جنگ و کشتار و  
 آوارگی میلیونها انسان،  
 علیه قدرتهای حاکم در  
 جهان و برای برابری زن،  
 برای جهانی فارغ از فقر  
 و نابرابری، به خیابانها  
 آمدند.  
 مشخصه هشت مارس  
 امسال صرفاً تظاهرات  
 میلیونی زنان در شیلی،  
 برگزاری مراسم زیر  
 سایه هراس از طالبان در  
 کابل یا تظاهرات در  
 اسلام آباد علیرغم حمله  
 اوباش اسلامی و  
 حکومتی، در حضور  
 پرشور زنان و دختران  
 جوان در لبنان و عراق و  
 صحنه های شورانگیز

و ... تنها نمونه هایی از  
 این واقعیت و پیشروی و  
 خودآگاهی عمیق این  
 جنبش در همسرنوشتی  
 خود با سایر جنبشها و  
 خصوصاً جنبش رادیکال  
 و سوسیالیستی طبقه  
 کارگر برای رفاه و آزادی،  
 به نقش و وزن خود در  
 مبارزه علیه حاکمیت  
 فقر و فلاکت و سیستم  
 حاکم، علیه تخریب  
 محیط زیست، علیه  
 تعرض بورژوازی به  
 معیشت میلیونها انسان  
 مزدبگیر، علیه تبعیض و  
 نابرابری و برای سعادت،  
 برابری و رفاه، است.  
 مراسمهای ۸ مارس  
 امسال اعلام  
 کیفی خواست جهانی این  
 جنبش علیه وضع  
 موجود، علیه کاپیتالیسم  
 و افسار گسیختگی آن  
 علیه طبقه کارگر جهانی،  
 علیه حق زن و برای  
 دنیای آزاد و برابر بود.  
 هشت مارس امسال  
 اعلام این واقعیت بود که  
 جنبش برابری زن بعنوان  
 جنبشی وسیع، اجتماعی  
 و جهانی، بعنوان بخشی

خصلت ماگزیمالیستی  
 آن، خواست تغییر نظم  
 موجود، خواست برابری  
 کامل زن و مرد و  
 خواست رفاه و رهایی  
 کامل سیاسی و  
 اقتصادی کل بشریت از  
 یوغ حاکمیت سرمایه،  
 در همه جا عیان بود.  
 خصلت رادیکال ۸ مارس  
 امسال و بازگشت به  
 جایگاه واقعی آن به  
 عنوان جنبشی برای  
 برابری و رهایی زن،  
 جنبشی که حق زن و  
 برابری کامل زن و مرد  
 را امری جهانشمول  
 میداند، در همه جا  
 برجسته بود. شعار "ما  
 رکن انقلابیم" زنان در  
 عراق، شعار "نقش ما  
 کلیدی است" در ۸  
 مارس شیلی، "حق زن  
 جهانشمول است" در  
 کلمبیا و اینکه "فقر و  
 سیستم حاکم، منشأ  
 نابرابری زن است" در  
 افغانستان، "زنان برای  
 دفاع از حیات و محیط  
 زیست" در لندن، "زنان  
 علیه قوانین  
 بازنشستگی" در فرانسه

از جنبش محرومان علیه  
 فقر و تبعیض و نابرابری،  
 برای تغییر بنیادی به  
 میدان آمده است و یکی  
 از پایه های مبارزه برای  
 زیر و رو کردن بنیادهای  
 نظام حاکم است.  
 جنبش برابری زن امسال  
 یک صدا فریاد نه به فقر،  
 نه به تبعیض، نه به  
 خشونت، نه به حاکمیت  
 مذهب و نه به تمام  
 تلاشها برای توجیه  
 موقعیت تبعیض آمیز  
 زنان و مردم محروم در  
 جهان بود.  
 هشت مارس امسال  
 نشان داد این جنبش  
 میرود یکبار دیگر نقش  
 خود را در تلاش بشریت  
 برای برابری و رهایی از  
 جهنم کاپیتالیسم حاکم  
 بر جهان ایفا کند. سوت  
 آغاز انقلاب اکتبر را  
 هشت مارس ۱۹۱۷ با  
 شعار "نان، صلح، آزادی"  
 زد. جهان میرود یکبار  
 دیگر شاهد حضور  
 جنبش برابری زن در  
 صف اول مبارزه برای  
 رهایی باشد.

انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کلمه دارو دسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، تحت  
 کنترل گرفتن کامل کلیه امکانات سلحشویی، تدارکاتی و اموال و دارائی های این ارگانها و نهادها.  
 مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید!



بستگی مستقیم به محیط پخش آن و به فرد میزبان دارد. کرونا بیماری "جمهوری اسلامی" است، عوارض آن، و لطمات و کشندگی آن ربط مستقیمی با جمهوری اسلامی دارد. مردم ایران در مقابل این و یا هر ویروس از قفس پریده دیگری همانقدر

میتوانست روی جمهوری اسلامی حساب باز کند که برای سیل گلستان و برای زلزله بم میتوانست توقع داشته باشد، یعنی هیچ! مطلقا هیچ! جز خزعبلات اسلامی، زبان درازی و دو قورت و نیم باقی طلبکارانه و دیگر هیچ!

در سیل گلستان، طبیعت قهار صدها هزار کلبه فکسنی و نیمه مخروبه را برای نمایش قدر قدرتی خود تحویل گرفتند. جان آدمیزاد و زندگی و تن و احترام آنها بی ارزش ترین چیزها در طول این فجایع به حساب آمده و قربانی شدند. در مورد "کرونا"، این ویروس به "ارض موعود" خود پا میگذارد، ایران سرزمین اپیدمی ها است، "اپیدمی فقر"، "اپیدمی اعتیاد"، "اپیدمی کمبود پروتئین و ویتامین"، "اپیدمی بیماری و اختلالات روحی و روانی"، "اپیدمی فقدان بهداشت در جملگی محیط های کار"، "اپیدمی قتل و کارگر گشتی در ساختمان سازیها"، "اپیدمی لت و پار کردن و شکنجه در زندانها" و ...

جمهوری اسلامی بحران را پاس میکند، از سر باز میکند. اما هنر این حکومت در خریدن وقت خلاصه نمیشود، بلکه "هنر" اصلی در آنست که در دل هر بحران کمتر و کمتر گیر مردم بیاید، و بعلاوه توقعات و موقعیت مردم بیش از پیش به عقب رانده شود. در همین مدت شانه خالی کردن دولت در قرنطینه شهرها، بی میلی در تامین بیمارستان و نگهداری شایسته از مبتلایان با هزار بهانه توجیه شده است. حکومتی که چُسی های پیشرفت های علمی و صنعتی آن عالم را گرفته، در تامین الکل و صابون و ماسک تعلل بخرج داده و در عوض روی سر مردم منت رهنمودهای نبوغ آمیز

و رذالت نیست. محاصره اقتصادی یک اسلحه کشتار کور و جمعی مردم در دست امریکا است و "کرونا" بیان عملی و تجسم کارآیی آن در مقطعی است که "در و تخته با هم جور در آید!" محاصره اقتصادی امریکا باید فوراً پایان یابد!

## ایران، "کرونا" و جمهوری اسلامی

مصطفی اسدپور

چگونه ایران بسرعت تبدیل به یک منطقه اصلی ابتلا به ویروس کرونا و کانون انتشار این بیماری مرگبار برای جهان امروز شد؟ افاضات مقامات لشکری و کشوری و یک خروار از لاقیدی آشکار و شرم آور تا اینجا به قیمت بسیار سنگینی برای پایینی های جامعه تمام شده است. "کرونا" با یک ویروس و قابلیت شیوع و انتقال بسیار سریع مشخص میشود. اما دامنه و قابلیت تخریبی و بیماری آن

ایران، "کرونا" ...

تحت ستم را تهدید میکند، و مسابقه توجیحات وزارت خانه های دو دولت امریکا و جمهوری اسلامی در کلاف محاصره اقتصادی یک ننگ و فصل تهوع آور است که پای هر دو را میگیرد.

"کرونا" و مخاطرات آن یک تهدید جدی است و توده زحمتکش و فقیر در ایران در آستانه یک فاجعه بزرگ به سر میبرند. نفس زندگی و جان سالم بدر بردن مردم را وادار به صف آراییی تازه تر در مقابل حکومت میکنند. "آموزش" و پروپاگاندا دولت امریکا در زمینه "افشا" در فساد دولتی جمهوری اسلامی آخرین چیزی است که مردم در صف آراییی خود به آن نیاز دارند. آشکار است که منافع این مردم، و بطریق اولی امر آزادیخواهی و رفاه هرگز امر دولت امریکا نبوده و نیست. اما بهره گیری از سراسیمگی مردم در هراس از موج مرگ "کرونا"، در معاملات و معادلات صحنه سانتریفوژها جز کثافت

"شستن دست" را میدهد بدون اینکه بروی خود بیاورد کدام آب؛ در کدام خانه و سر پناه! بلاخره کسی باید دهان رئیس جمهور را گل بگیرد که مردم در کدام خانه، با کدام اجاره، سر کدام سفره "از رفت و آمد زاید بپرهیزند"؟!

شهر پس از شهر، قدم به قدم با اشاعه "کرونا" در عطش اعتراضات توده ای علیه دولت و بی وظیفگی بیشرمانه در چاره اندیشی در مقابل ابعاد جاری فاجعه میسوزد. ضرورت اجرای مقررات بهداشتی فردی در مقابله با اپیدمی "کرونا" بجای خود اما به انزوای بی خبری از یکدیگر نباید تن داد. میتوان اطمینان داشت که ابتکارات توده ای برای انواع همفکری و همکاری در سطح محلات و کارخانه ها چاره ای خواهد اندیشید.

بیانیه حقوق جهانشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراها

سرنگونی، پایان ...

زمانی که مطالبات اقتصادی و معیشت و رفاه به مطالبه پایه ای جامعه تبدیل می شود، خصلت طبقاتی مبارزه عیان تر می گردد، طبقه کارگر، گرسنگان و محرومان و ستمدیدگان بعنوان نیروی اصلی و تعیین کننده پا به میدان می گذارد و گلوی نظام سرمایه داری را می فشارد. در این روند خواست آزادی از یک مطالبه، به عمل مبارزاتی و انقلابی از قبیل اعتصاب، اعتراض، خیزش و قیام تبدیل می شود. به این معنا آزادی به دست می آید و به حاکمیت بورژوازی تحمیل و به قانون عمل جامعه تبدیل می گردد.

در نظام های پیش رفته تر سرمایه داری، آزادی اعتصاب و اعتراض قانونی است اما در این جوامع هم، دمکراسی بورژوازی چه با فریب انتخابات آزاد و چه سرکوب نرم، متعهد به قوانین خود نیست. در نظامی چون جمهوری اسلامی اما، فریب، مذهب و سرکوب عربان، خود قوانین نوشته شده اند. اگر با فریب و تحمیل نشد، با زور و سرکوب و کشتار و حتی عدم جلوگیری از شیوع بیماری همه گیر باید مردم را به لقب شهادت مزین و به بهشت فرستاد.

اما امروز، اولاً سلاح فریب و تحمیل مذهب به چنان فلاکتی دچار شده است که خرافات اماکن مقدس چون کعبه و مرقدهای امامان قم و مشهد در

مقابل ویروس کرونا خود به عوامل شیوع این بیماری تبدیل شده و قدسیان و ملاها و مداحان، یا تلف شده و یا از قم فراری و به هتل های لوکس و مناطق نامقدس و خوش آب و هوا چون جزیره کیش پناه برده اند. این واقعیت بار دیگر نشان داد که، مذهب تنها ابزار تحمیل و در خدمت سرمایه و سود بیش نبوده و نیست. رهبران مذهبی ایران، اگر به ایدئولوژی خود پایبند و معتقد بودند می بایست در حرم امامان نشان بست می نشستند و در مقابل کرونا سینه سپر و معجزه ی اسلام و امامان را به مردم ثابت می کردند و نشان می دادند که مذهب خرافات نیست، ناجی است. اما مذهب برای سرمایه داران نه یک اعتقاد و ایدئولوژی قابل باور بلکه یک ابزار است. از امروز به بعد سخن از قدوسیت و خرافات دینی باید برای مبلغین و رهبران جمهوری اسلامی بیشتر از همیشه شرم آور باشد!

دوما، ساختار رژیم بیش از پیش بهم خورده است. تعطیلی مجلس بعد از شکست نمایش انتخابات، بیشتر از پیش، بود و نبود این نهاد فرمایشی و نوکر را برای حاکمیت علی السویه کرده است. شورای امنیت ملی به جای دولت فرمایشی هم نقش مترسکی بر بوستان خشک و بی ثمری را دارد. امروز بیش از پیش، فقط یک نهاد به نام بیت رهبری و حواشیش چون

سپاه پاسداران و اطلاعات سپاه به رهبری خامنه ای بعنوان تنها عنصر حفظ بقای رژیم باقی مانده است.

سوما، بیماری کرونا هم به شیوه ی دیگر، بحران اقتصادی و اجتماعی و فلاکتی که این رژیم از آغاز با خود آورده است را تشدید کرده است. همه اذعان دارند که تورم به بالای چهل درصد می رسد. گرانی و افزایش فقر سرسام آورتر می شود.

با فروکش کردن و مهار کرونا در جهان و به تبع آن در ایران، جامعه ی ما یک واقعه ای وارداتی مرگبار دیگر را با تلفات جانی و تحمل فشار روحی و از هم پاشیده تر شدن شیرازه ی زندگی مردم، از سر خواهد گذراند. مردم می دانند که این بحران مرگبار، بدون دخالت و همیاری و همبستگی و همت خود و فشار بر حاکمیت فاسد و دروغگو و جنایتکار و کمک های بشردوستانه ی مردم جهان، به پایان نمی رسد. اکنون پیشروان جامعه آستین ها را بالا زده و با ایجاد همبستگی و اتحاد و متشکل شدن در کمیته های محلات و شهرها، به جنگ کرونا و شیادی جمهوری اسلامی برخاسته اند. مردمانی که در جدال با بلایای طبیعت چون زلزله و سیل و دیگر عرصه های اجتماعی و سیاسی و آخرینشان به شکست کشاندن انتخابات مجلس اسلامی، با تجربه، آبدیده و سربلند بیرون آمده اند. طبقه کارگر و زحمتکش

## نشریه هفتگی حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی  
fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب  
@Hekmatistx

### تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا  
aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی  
mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی  
fuaduk@gmail.com

و محرومان جامعه ی ما مصیبت تلخ و دردناک کرونا را از سر خواهند گذراند. دروغ و پنهانکاری و بی حیایی دولتمردان جمهوری اسلامی و عاملین شیوع و گسترش این بیماری مرگبار را می شناسند. امروز بیش از پیش سرنگونی جمهوری اسلامی به تنها راه نجات مردم ستم دیده ی ایران از فقر و فلاکت و گرسنگی و بیماری و مصیبت های بی شمار دیگر، تبدیل شده است.

حکمت را  
توزیع و پخش  
کنید!

امروز بیش از پیش، ضرورت اتحاد و همبستگی و متشکل شدن طبقه کارگر و مردم،